

## دو فصل نامه علمی - اختصاصی معارف فقه علوی

سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ / Ma'arif Fiqh Alavi, Vol. , No. , Fall & Winter  
صفحات ۵۹ تا ۷۰

### بررسی مبانی فقهی و حقوقی تنظیم سند رسمی معاملات اموال منقول؛ واکاوی اختلاف سازمان ثبت اسناد و املاک با نیروی انتظامی<sup>۱</sup>

جعفر صادق جلالی نیا<sup>۲</sup>

#### چکیده

با توجه به اینکه در جامعه امروزی سند مالکیت یکی از مهم ترین دلایل اثبات مالکیت می‌باشد و بسیاری از فروشندگان اعم از اتومبیل و مستغلات پس از تنظیم میابعه نامه و انتقال مبیع و به خصوص اخذ درصد قابل توجهی از وجه معاملات به دلایل گوناگون از حضور در دفاتر اسناد رسمی و ثبت سند رسمی خودداری می‌کنند اگرچه بحث‌های بسیار مبسوطی در خصوص اینکه آیا بیع اموال اعم از منقول و غیرمنقول تشریفاتی است یا رضایی، بین حقوقدانان مطرح است ولی رویه قضایی به بحث غیر تشریفاتی (رضایی) بودن بیع اعم از منقول و غیر منقول سوق دارد به این ترتیب با تکیه به مواردی همچون مواد ۱۰-۲۳۰-۲۲۱ قانون مدنی و ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی (ق. آ. د. م) و اصول فقهی نظیر اصل «وفو بالعقود» و نیز اصل صحت معاملات مستند به میابعه نامه عادی را چه اموال منقول و غیر منقول را معتبر دانسته است؛ لذا این مقاله در صدد است تا بر اساس مبانی فقهی و حقوقی این مشکل را بر طرف نماید.

**کلید واژه‌ها:** سند، مراجع صلاحیت‌دار، اموال منقول، معامله معارض، ثبت اسناد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

<sup>۱</sup> - تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۵

<sup>۲</sup> . دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی بر اساس اندیشه‌های امام خمینی(ره)، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. j.jafarsadeg1124@gmail.com

## مقدمه

شاید بتوان گفت مهم ترین و شایع ترین قرارداد اقتصادی فی مابین مردم را، عقد بیع یا همان قرارداد خرید و فروش دانست که در عقد بیع فروشنده را بایع و خریدار را مشتری می گویند و به موجب عقد مذکور، مال معینی از اموال فروشنده در قبال مال معین دیگری از اموال خریدار و تحت شرایط کاملاً مشخص قانونی و قراردادی طرفین مبادله، منتقل و تصرف می شود. در عقد بیع مالی را که از سوی فروشنده به خریدار منتقل می شود، مبیع یا همان جنس فروخته شده یا مورد معامله می گویند و متقابلاً که از سوی خریدار به فروشنده منتقل یا پرداخت می شود، ثمن یا مبلغ مورد معامله می گویند. در عقد بیع علاوه بر شرایط و احکام عمومی قراردادها ضروری است اصول و ارکان خاص قرارداد بیع، چه از لحاظ نوع قرارداد و چه از لحاظ شرایط ویژه حاکم بر طرفینی که آن را منعقد می کنند رعایت شود.

با توجه به اینکه موضوع عقد بیع، اموال است اما نظر به گوناگونی اموال و به اعتبار اختلاف ماهیتی آنها قراردادهای بیع نیز مختلف و گوناگون هستند. در یک تقسیم بندی، اموال به منقول و غیرمنقول تقسیم می شوند. اموال غیرمنقول که از حوزه بحث های ما خارج است و اما اموال منقول، اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است ( ماده ۱۹ ق. م ) مانند خودرو، زیور آلات، وسایل و مبلمان خانه و .....

در این خصوص اکثر اموال منقول، همین که توافقات اولیه بین فروشنده و خریدار انجام شد با تبادل و تصرف متقابل مال منقول و مبلغ موردنظر، غالباً عقد بیع صورت پذیرفته و پایان می یابد و موارد اختلافی در این نوع قراردادها بسیار نادر و محدود است با این همه ذکر این نکته لازم است که انجام معامله بر پاره ای از اموال منقول نیز به دلیل وجود برخی شرایط ویژه اقتصادی یا امنیتی باید محتاطانه و در چارچوب یکسری تشریفات ویژه قانونی انجام شود.

هر چند تشریفات مذکور به اهمیت یا سخت گیری مقررات راجع به معاملات اموال غیرمنقول نیست. از جمله این دسته از اموال می توان به زیورآلات اعم از طلا و نقره و

جواهرات و سنگ های قیمتی، پاره از عتیقه جات و نیز معامله بر انواع اتومبیل ها و ماشین آلات کشاورزی و دستگاه های چاپ و نشر اشاره کرد.

برای خرید یا فروش زیورآلات اخذ و ارائه فاکتور معتبر با ذکر مشخصات کامل طرفین و مختصات بدون ابهام جنس مورد معامله ضروری است و معاملات خودرو نیز منوط به انجام تشریفات انتقال سند و فک پلاک و سایر امور مربوطه است. معذالک اهمیت اموال غیرمنقول و معامله آنها به حدی است که قانونگذار را به سوی تصویب قانون ثبت اسناد و املاک کشور و شکل گیری سازمانی گسترده به همین نام و به همین منظور، سوق داده است و اگر چه تا نیل به مقصود و حصول جامعه آرمانی در این زمینه فاصله بسیاری مانده است اما به هر تقدیر بیش از ۸۰ سال است اهتمام حاکمیت و قوای سه گانه در شناسایی و تثبیت مالکیت اراضی و املاک و اموال غیرمنقول و حمایت از مالکان رسمی و قانونی آنها طرف شده است که می بایستی در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد اموال غیر منقول شهری واجد سابقه ثبتی است باید از انجام عادی قرارداد های خرید و فروش اراضی و اموال غیرمنقول اجتناب کرد. در حالی که برای ثبت اموال منقول ساکت بوده و صرفاً به صورت تعمیم در ماده ۱۲۸۷ ق.م چنین بیان داشته است، « اسنادی که در اداره ی ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی، در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی، تنظیم شده باشند رسمی است».

بنابراین حکم مندرج در ماده ۱۲۸۷ ق.م عام است و محل مناقشه در این موضوع آنجاست که آیا مردم پس از مراجعه به مراکز نقل و انتقال ضرورتی به مراجعه به دفاتر اسناد رسمی دارند یا نه؟

با مراجعه به ماده ۱۲۸۷ پاسخ این سؤال چنین خواهد بود که نیروی انتظامی خود به عنوان مامورین رسمی در حدود صلاحیت خود محسوب می شوند چرا که عین بند ۲ ماده ۴ قانون راهنمایی و رانندگی این موضوع بر عهده اداره راهنمایی و رانندگی بوده و در دو بخش خدماتی و ترافیکی اقدام می گردد. که در حوزه خدماتی موضوع گواهینامه و شماره گذاری آن مدنظر است و طبق آن قانون صدور مالکیت به عهده نیروی انتظامی به عنوان یک مرجع صلاحیت دار گذاشته شده است.

لذا در این مقاله سعی می شود به سئوالات مطرح شده پاسخ مناسب داده شود تا محل مناقشه حل گردد.

سؤال اصلی:

-انتقال مالکیت اموال منقول ( بالأخص خودرو ) تشریفاتی است یا رضایی؟

- آیا تنظیم سند برای معاملات اموال منقول اصلاً الزامی است یا نه؟

- علت بروز اختلاف نظر نیروی انتظامی با سازمان ثبت اسناد و املاک چیست؟

### کلیات و مفاهیم

۱- تعریف سند:

سند عبارت است از هر نوشته که در مقام اثبات دعوا یا دفاع قابل استناد باشد « ماده ۱۲۸۴ ق.م. لفظ «هر» در ماده ۲۸۴ ق.م از الفاظ عموم است ، پس دلالت بر عام دارد به همین ترتیب جهت است که شامل تمام نوشته ها می شود ، زیرا در خصوص نشوته گفته شده ، منظور از نوشته ، خط یا علامتی است که در روی صفحه نمایان باشد خواه از خطوط متداول باشد یا غیر متداول ، مانند رمز ها ، علاماتی که دو یا چند نفر برای روابط خود قرار داده اند . ( امامی ، سال ۱۳۷۹ ، جلد ۶ ) نوشته ای که هم شخص مدعی و هم طرف مقابل او یعنی خواننده دعوی قادر به استفاده از آن در محاکم هستند. خواهان برای اثبات ادعایش و خواننده در مقام پاسخ به ادعای خواهان اسنادی را ارائه می دهند که طبق ماده ۱۲۸۶ دو نوع اند:

۱-۱ عادی و رسمی :

اسنادی که توسط مامورین رسمی و در حدود صلاحیت آنان و مطابق با قانون تنظیم شوند رسمی اند مانند اسنادی که توسط مامورین اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم می شود یا توسط دفاتر اسناد رسمی و یا اداره ثبت احوال و ....

اما مقصود از مامورین رسمی و حدود صلاحیت آنان در تعریف سند رسمی چیست؟

مامور رسمی کسی است که از سوی حکومت به انجام کاری مامور شده است و لازم نیست که حتماً بین مامور و دولت رابطه استخدامی برقرار شده باشد مانند دفاتر اسناد رسمی، زیرا سردفتر کارمند دولت نیست، گرچه سردفتری شغلی غیردولتی محسوب می‌شود ولی از آنجایی که سردفتر از سوی دولت مامور به تنظیم معاملات است، سردفتر مامور رسمی به حساب می‌آید.

اما مقصود از صلاحیت آن است که مامور هم ذاتاً و هم محلاً دارای قابلیت قانونی برای تنظیم سند باشد. برای مثال سردفتر اسناد رسمی ذاتاً صلاحیت تنظیم معاملات را دارد ولیکن ذاتاً صلاحیت تنظیم و صدور گواهی فوت را ندارد همان طور که کارمند اداره ثبت احوال ذاتاً صلاحیت صدور گواهی طلاق و یا ازدواج را ندارد. از طرفی ممکن است که مامور ذاتاً صلاحیت انجام کاری را داشته باشد ولی محلاً صلاحیت نداشته باشد برای مثال مامور اداره ثبت اسناد و املاک تهران که وظیفه نقشه برداری و تحدید حدود املاک تهران به او واگذار شده محلاً صلاحیت نقشه برداری یا تحدید حدود از اراضی مشهد را ندارد، با این اوصاف برای این که نوشته‌ای رسمی محسوب شود ۳ شرط لازم است.

۱- سند توسط مامور رسمی تنظیم اسناد تهیه شود.

۲- مامور دارای صلاحیت تنظیم آن باشد.

۳- سند با رعایت مقررات قانون تنظیم شده باشد.

هرگاه نوشته‌ای فاقد یکی از سه شرط باشد آن نوشته در صورتی که دارای مهر یا امضاء طرف باشد عادی محسوب می‌شود ماده ۱۲۸۹ ق.م.م : غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

۲- اموال:

مطابق با ماده ۱۱ ق.م.ا اموال به دو قسم است:

۱-۲ اموال غیرمنقول

۲-۲ اموال منقول

اموال غیرمنقول: مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود ... ( ماده ۱۲ ق. م ).

اموال منقول: اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است ( ماده ۱۹ ق. م ).

با توجه به موارد فوق ثبت اموال از نظر قانونی مورد بحث قرار می گیرد. در جای جای قانون ثبت از ثبت اموال غیرمنقول سخن به میان آمده و اساسا مواد آن نیز شامل اموال غیرمنقول می باشد و لذا چنین به نظر می رسد که در مورد اموال منقول سند رسمی به لحاظ تعریف آن در قانون ثبت اصولا ضرورتی ندارد. « مالک شناختن افراد توسط دولت زمانی که سند رسمی ملک به نام آن ها در دفاتر ثبت شود ماده ۲۲ ق. ت »

۳- ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل :

۱- کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلا در دفتر املاک ثبت شده باشد.

۲- کلیه معاملات راجع به حقوق که قبلا در دفتر املاک ثبت شده است .

با توجه به ماده ۴۶ ق. ت چنین استنباط می شود که سیستم رضایی بر سیستم تشریفاتی غلبه کرده است و در اکثر کشورها به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. مبانی این اصل را باید در نظریه حاکمیت اراده جستجو کرد به طور مثال وسیله نقلیه طبق ماده ۱۹ ق. م جز اموال منقول است از طرف دیگر ماده ۴۷ قانون ثبت به صراحت ثبت معاملات راجع به اموال غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی را اجباری دانسته که مستنبط از این ماده ثبت معاملات راجع به اموال منقول مانند خودرو، جواهرات و فرش که بعضا ارزش ریالی بیشتری هم شاید داشته باشند در دفاتر اسناد رسمی الزامی نیست و حاکمیت به لحاظ ایمنی و اقتصادی و سایر مسائل روز ثبت اموال منقول را مطابق ماده ۱۲۸۷ ق. م در حیطة و صلاحیت مامورین رسمی به طور موردی قرار داده است.

#### ۴- معاملات معارض:

معاملاتی که در تعارض هم قرار گرفته باشند که به منظور جلوگیری از معاملات معارض، برقراری نظم، امنیت و ثبات در معاملات و به تبعیت از تجربه سایر نظام های حقوقی، قانونگذارها در سال ۱۳۱۰ در قالب ماده ۴۶ قانون ثبت تنظیم سند رسمی و ثبت بیع مربوط به املاک ثبت شده را اجباری اعلام نموده که مستنبط از این ماده ثبت معاملات راجع به اموال منقول مانند خودرو<sup>۱</sup> جواهرات<sup>۲</sup> فرش که بعضا ارزش ریالی دارند در دفاتر اسناد رسمی الزامی نیست و علیرغم سپری شدن ۸۰ سال هنوز لاینحل باقی مانده است و جز سردرگمی حاصلی نداشته است.

#### جایگاه سند در قرآن کریم

در معتبرترین سند شرعی مکتوب مسلمانان، قرآن مجید، بعد از بیان احکامی که مربوط به انفاق در راه خدا و همچنین مساله رباخواری بود در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره که طولانی ترین آیه قرآن است، احکام و مقررات دقیقی برای امور تجاری و اقتصادی بیان کرده تا سرمایه ها هر چه بیشتر رشد طبیعی خود را پیدا کند و بن بست و اختلاف و نزاعی در میان مردم رخ ندهد. در آیه ۲۸۲ نوزده دستور مهم در مورد داد و ستد مالی بیان شده است ( تفسیر نمونه ، مکارم شیرازی ، سال ۹۲ ، جلد ۲ ) آیه شریفه ۲۸۲ می فرماید « ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه برخی از شما به برخی دیگر بدهکار شدید که باید آن را تا مدت معینی پرداخت کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده ای در میان شما متن قرارداد را به حق و عدل بنویسد ..... » " یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ " که حاوی نکات مهمی می باشد که عبارتند از:

۱- موضوع امر به کتابت

۲- علت امر به کتابت

۳- دلالت امر به کتابت بر وجوب یا استحباب

۴- امر به شاهد گرفتن بر دین.

## جایگاه سند در فقه

فقه‌های بزرگ و نامی شیعه از متقدمین گرفته تا متاخرین آن‌ها به استناد منابع روایی و قرآن کریم در کتبشان بطور مفصل به ادله اثبات دعوی پرداخته‌اند و نظرات مشابهی در این باب دارند، ایشان در ابواب شهادت، اقرار، قسم، قسامه و غیره مباحث مفصلی را طرح نموده‌اند و در باب سند، فقط از بخش‌های فرعی و خاص مکتوبات ایشان می‌توان نکاتی را استخراج نمود.

علامه حلی ره معتقد است، جایز نیست قاضی در صورتی که مطالبی (از محکمه قضا) را فراموش کرده باشد به خط خود اعتماد نماید، چرا که در خط احتمال و امکان ساختگی بودن می‌رود و بالاتر از آن ایشان معتقدند اگر خط محفوظ و ایمن از تحریف هم باشد حداکثر می‌توان روایت خبر بکند، نه این که به موجب آن خط شهادت بدهد یا حکم کند «علامه حلی (ره) تجارت قضا و شهادت ترجمه حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه) صفحه ۱۹۳ شماره ۹۶».

محقق حلی ره صاحب کتاب شرایع الاسلام هم در همان باب می‌فرمایند: رساندن حکم یک حاکم به دیگری یا به روش کتابت است یا به قول یا با شهادت، اما کتابت، هیچ اعتباری ندارد به جهت وجود امکان شبیه سازی، اما اگر بین شاهد حکم باشند به این که آن دو را به حکم خود شاهد بگیرد، قبول از ناحیه حاکم دوم لازم می‌آید (محقق حلی (ره)، شرایع الاسلام، سال ۹۲، ج ۴-۳).

«انهاء حکم الحاکم الی الاخر اما، بالکتابت اوالقول اوالشهادت، اما الکتابت، فلا عبرت بها لامکان التشبیه ..... و اما الشهادت، فان شهدت البینه بالحکم، بالشهاده ایاهما علی لحکم تعین القبول لان ذالک معا ..... تمس الحاجت الیه».

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله می‌فرمایند: «حکم نفوذ پیدا نمی‌کند و خصومت فیصله پیدا نمی‌کند مگر به انشای لفظی و انشای کتبی اعتبار ندارد» در مساله رساندن حکم یک قاضی به قاضی دیگر، ایشان به مطالب متقدمین این را هم اضافه می‌کنند که «حتی اگر حاکم دوم علم پیدا کند که نوشته متعلق به حاکم اول می‌باشد و وی مفاد آن را اراده نموده است، انفاذ حکم بر وی جایز



نیست» در حالی که شهادت بینه شرعیه را موجب وجوب انفاذ حکم قلمداد می کنند (خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، سال ۱۳۹۱، ج ۴)

مرحوم محمدحسن نجفی صاحب کتاب شریف جواهر الکلام با رعایت شرایطی اعتبار بیشتری برای سند قایل شده اند که در کلام سایر فقها نیامده است و می تواند در اثبات مدعی ما اندکی موثر باشد. وی در این باب که قاضی کاتبی داشته باشد، که ماوقع در محکمه را کتابت کند، ابتدا شرایطی را برای کاتب ذکر فرموده اند که عبارتند از: بلوغ، عقل، اسلام و عدالت و نیز این که آگاه باشد تا فریب نخورد اگر فقیه هم باشد، واجد اکمل شرایط خواهد بود. در عین حال معتقدند شرایط مذکور در بالا ضرورت ندارد چرا که حتی با وجود تمام شرایط مذکور، ثمره کتابت فقط تذکر آنچه روی داده است بوده و حجیت شرعیه به سند نمی دهد. ولی با وجود همه آنها، اطمینان لازم برای جریان حکم براساس مکتوبات حاصل می شود (نجفی، جواهر الکلام، سال ۱۳۸۱، ج ۴).

### نتیجه بررسی سند از دیدگاه قرآن

بعد از بررسی ادله شرعیه در مورد حجیت سند، به این نتیجه می رسیم که با توجه به مطالب رسیده از فقها اقدام شورای نگهبان در اعلام مغایرت ماده ۱۳۰۹ ق.م با موازین شرعی کاملاً صحیح و مطابق با آرای فقهی می باشد. اما تأمل بیشتر در مستندات قرآنی و حدیثی، در کنار نظرات حقوقدانان، توجه ما را به مسائلی که تا به امروز از نظرها دور مانده جلب می نماید.

آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره نشانه ی دقت نظر و جامعیت اسلام است که در دوره جاهلیت و در میان مردمی عقب افتاده این همه سخن از نوشتن، نشانه ی توجه اسلام به علم و حفظ حقوق است و نیز در حدیثی آمده است: اگر کسی در معامله، سند و شاهد نگیرد و مالش در معرض تلف قرار گیرد، هر چه دعا کند خداوند مستجاب نمی کند و می فرماید: چرا به سفارشات من عمل نکردی. (کنز الدقائق، ج ۲ ص ۴۶ به نقل از تفسیر نور، سال ۱۳۷۶، جلد ۱)

پرتال جامع علوم انسانی

لذا با توجه به شرایط نزول آیه و امر به کتابت می توان به اهمیت جایگاه سند مکتوب در همه عقود و معاملات خصوصا در مورد دیون، در برابر انکار و تردید و فراموشی پی برد.

در مورد فتاوی فقها هم باید اشاره کرد عدم اعتبار سند در نظر ایشان اولاً به دلیل کمبود مستندات روایی و شرعی و نیز این که در آن زمان اصلاً سند به دلایل مختلف کاربرد چندانی نداشته تا مورد توجه قرار گیرد و ثانیاً به دلیل عدم وجود وسایل و سازوکار مناسب برای صیانت از سند در برابر اشتباه و تحریف و جعل، به آن نمی توانستند اتکا نمایند. موید این مطلب هم این که صاحب کتاب جواهر الاکلام هم در موردی که کاتب محکمه دارای تمام شرایط باشد فتوا به جواز صدور رای براساس مکتوبات وی دادند. لذا امروزه که این موانع برطرف شده و اعتماد به سند، هم در عرف و هم از لحاظ علمی، از هر دلیل دیگر بیشتر است جا دارد حداقل و بدون در نظر گرفتن سایر ویژگی ها در ردیف بالاترین ادله قرار گیرد.

از سوی دیگر علی رغم نقاط قوت بینه شرعی، احراز شرایط مختلف آن با توجه به گسترش جوامع و حجم پرونده ها در محاکم موجب مشقت و حرج برای قاضی می شود و حتی می توان گفت مکلف کردن قاضی بر احراز آنها « تکلیف بما لایطاق » به نظر می رسد. که در نتیجه به دلیل دشواری احراز این شرایط، در عمل یا سند ترجیح داده شده و یا بدون احراز دقیق شرایط بینه و با اتکا به حداقل ها، مثل عدم علم به فسق شهود بر مبنای گفته های آنها اقدام به صدور رای شده و چه بسا حقوقی از اشخاصی تضییع شده، باعث بدبینی به نظام و دستگاه قضا شده است.

در آخر این که امروزه احراز اصالت سندی که در ادارات ذیربط دارای رونوشت های معتبر می باشد بسیار ساده تر و مطمئن تر از احراز شرایط شرعی شهود و شهادت می باشد و خود طرفین دعاوی نیز با خیال آسوده تر به سندی که طبق مقررات تنظیم شده اعتماد می کنند تا شهادت شهود.

در نتیجه مقدمات فوق بسیار مناسب به نظر می رسد که در شرایط فعلی، در حجیت سند بازنگری به عمل آمده و همچنین خلاء های قانونی موجود در احراز شرایط شرعی شاهد و شهادت، با جایگزین های مناسب جبران شود. مثل این که مراحل تنظیم سند و

مفاد آن ، همان طور که برخی مفسرین از ترتیب مذکور در آیه شریفه استنباط نمودند ( قرائتی ، تفسیر نور ، سال ۱۳۷۶ ، ج ۱ ) ، « از فرمان نوشتن، معلوم می شود که اسناد تنظیم شده ای که همراه با گواهی عادل باشد، قابل استشهاد است.»

### نتیجه گیری

با عنایت به قوانین موجود در نظامات حقوقی گوناگون جهانی و علی الخصوص در کشور ایران که فقه اسلامی نیز به یاری آن آمده ، چنین به نظر می رسد که با پیشرفت چشم گیر در تمامی حوزه ها زمان آن فرا رسیده است که طبق قانون تمامی ارگان ها و نهاد ها و ادارات صلاحیت دار نسبت به مسئولیت های قانونی خود در جهت تسهیل در حل مشکلات جامعه خود گام برداشته و از مناقشات مطروحه اجتناب کنند.

التهایه با توجه به بررسی های بعمل آمده در نظامات حقوقی ، خاصه در موضوع مقاله در انجام انتقال مالکیت اموال منقول خصوصاً خودرو توسط مرجع صلاحیت دار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قانونی به نظر می رسد و مراجعه اشخاص به دفاتر اسناد رسمی کاری اضافی بر تعهدات متعاملین می باشد . کما این که سازمان ثبت و اسناد و املاک استان آذربایجان غربی در خصوص استعلام مالکیت خودرو توسط یکی از شعبشورای حل اختلاف طی شمارههای ۱۰۹/۲/۹۶/۴۹۰ مورخه ۹۶/۲/۱۷ و شماره ۱۰۹/۱/۹/۳۰۳۲ مورخه ۹۶/۲/۲۳ به ترتیب از سوی محمدرضا محمدی کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ ارومیه و فرخ قلیزاده رئیس اداره ثبت املاک منطقه ۱ ارومیه جوابیه ای را مبنی بر عدم اطلاع از مالکیت خودرو بیان داشته و آنرا در ردیف وظایف راهنمایی و رانندگی دانسته است ؛ که این خود موید صحت صلاحیت نیروانظامی در انتقال مالکیت و به رسمیت شناختن اسناد صادره از سوی راهنمایی رانندگی بوده و نیازی به تنظیم سند در دفاتر اسناد رسمی احصاء نمی گردد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. امامی، حسن، (۱۳۵۱) مقرر نامه عقود امین، تهران، بی جا.
۲. حلی، حسن بن یوسف مطهر (بی تا)، تجارت، قضاوتها و شهادت، تهران، بی جا.
۳. حلی، (۱۳۹۲ق)، شرایع الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. قانون ثبت.
۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران. سوره.
۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، قانون مدنی نظم کنونی، تهران، میزان
۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۸. موسوی خمینی، سید روح اله، (۱۳۹۲) تحریر الوسیله، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۸۱)، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

